

### تعلق ملی در میدان عمل

در جهان امروز، مفهوم «وطن» دیگر صرفاً یک جغرافیا یا مجموعه‌ای از مرزهای سیاسی نیست؛ وطن برای نسل جدید، بیش از هر زمان دیگری به «احساس تعلق»، «امکان نقش آفرینی»، «امید به آینده» و «درک کرامت فردی و جمعی» گِره خورده است. به همین دلیل، اگر در گذشته حفظ تعلق ملی عمدتاً از طریق حافظه تاریخی، پیوندهای سنتی و تجربه‌های اجتماعی منتقل می‌شد، امروز این تعلق باید در فضایی بسپار پیچیده‌تر و رقابتی‌تر بازتولید شود؛ فضایی که در آن نسل جدید به صورت هم‌زمان در معرض روایت‌های متنوع جهانی، شبکه‌های اجتماعی، سبک‌های زندگی متفاوت و جریان‌های گسترده رسانه‌ای قرار دارد. در چنین شرایطی، تقویت حس تعلق ملی دیگر صرفاً یک مسئله فرهنگی نیست، بلکه به موضوعی راهبردی در حوزه امنیت ملی، سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری جامعه و آینده قدرت کشورها تبدیل شده است. سرمایه‌ای که در شرایط استثنایی امروز در جامعه شاهد آن هستیم.

در هر جامعه‌ای، لحظات بحرانی بیش از هر چیز حقیقت پیوند مردم با «وطن» را آشکار می‌کند. بسیاری از مفاهیمی که در روزهای عادی ممکن است صرفاً در قالب شعار یا ادبیات رسمی شنیده شوند، در شرایط «تهدید، جنگ، بحران یا ناامنی» به واقعیتی عینی تبدیل می‌شوند. تحولات سسال‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایران نیز بار دیگر نشان داد که برخلاف بسیاری از «روایت‌های سطحی و یک‌بعدی»، نسل جدید ایران نه نسلی بی تفاوت نسبت به سرنوشت کشور، بلکه نسلی پیچیده، مطالبه‌گر، آگاه و در عین حال حساس به عزت، امنیت و تمامیت سرزمین، بلکه به موضوعی راهبردی در حوزه نسل‌های گذشته متفاوت باشد، اما تجربه بحران‌ها نشان داده است؛ هنگامی که مسئله «ایران»، «اسلام» و «امنیت ملی» مطرح می‌شود، ظرفیت بزرگی از «همبستگی، مسئولیت‌پذیری و تعلق ملی و دینی» در میان جوانان فعال می‌شود.

در دوران دفاع مقدس نیز بسیاری تصور می‌کردند نسل جوان آن دوره، به‌دلیل شرایط پیچیده پس از انقلاب و مشکلات داخلی، توان ایستادی در در برابر یک جنگ گسترده را نخواهد داشت. اما همان نسل، به یکی از مهم‌ترین ستون‌های دفاع ملی تبدیل شد. عمده نیروهای حاضر در جبهه‌ها را جوانانی تشکیل می‌دادند که نه با اجبار، بلکه با «احساس مسئولیت نسبت به وطن، امنیت و آینده کشور» وارد میدان شدند. امروز نیز با وجود تفاوت‌های نسلی، تغییر سبک زندگی، گسترش فضای مجازی و افزایش تنوع فرهنگی در جامعه، همچنان می‌توان نشانه‌های همین تعلق را مشاهده کرد. در «بحران‌ها و تنش‌های اخیر منطقه‌ای و امنیتی»، بار دیگر جوانان ایرانی نشان دادند که میان نقد به وضعیت موجود و دفاع از اصل دین و وطن تفاوت قائلند. این مسئله را می‌توان در شکل‌گیری جمععات شبانه خیابانی، حضور داوطلبانه مردم در فضاهای عمومی برای تقویت روحیه اجتماعی، فعالیت‌های همدلانه، پوشش‌های مردمی و مشارکت گروه‌های جهادی در مدیریت انتلافی که در ۱۲ روزه جنگ نیابتی می‌ماه ۱۴۰۴ مشاهده شد، و جنگ تحمیلی سوم مشاهده کرد. این حضورها صرفاً «واکنش‌های احساسی زودگذر» نبود، بلکه نشانه‌ای از وجود یک «سرمایه عاطفی دینی و ملی» در لایه‌های مختلف جامعه ایران است؛ سرمایه‌ای که به‌شاید مهم‌ترین منبع متنقل می‌باشد. این روایت‌های رسانه‌ای دیده نشود، اما در لحظات حساس خود را آشکار می‌کند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسل جدید این است که تعلق ملی را فقط در قالب ادبیات رسمی تعریف نمی‌کند، بلکه آن را در «کنش واقعی و در عمل» خاکر می‌دهد. هنگامی که پس از حملات یا بحران‌ها، گروه‌های جهادی، نیروهای داوطلب مردمی و جوانان برای کمک به بازسازی خرابی‌ها، امدادسانی، حمایت اجتماعی و بازگرداندن آرامش روانی به جامعه وارد میدان می‌شوند، در واقع مفهوم وطن را از سطح شعار به سطح کنش اجتماعی متنقل می‌کنند. این همان نقطه‌ای است که باید جدی گرفته شود. زیرا تعلق ملی پایدار، نه با اجبار و تکرار، بلکه از طریق تجربه واقعی مشارکت و احساس اثرگذاری شکل می‌گیرد.

در جنگ‌های جدید، به‌ویژه در جنگ ترکیبی و شناختی، دشمن صرفاً به دنبال تخریب زیرساخت‌ها نیست؛ بلکه تلاشی می‌کند اعتماد عمومی، امید اجتماعی و پیوند عاطفی نسل جوان با کشور را تضعیف کند. هدف اصلی این است که جامعه نسبت به آینده دچار خستگی، بی‌تفاوتی و فروپاشی روانی شود. در چنین شرایطی، نقش نسل جوان فقط در میدان نظامی تعریف نمی‌شود. امروز جوانان در حوزه رسانه، فضای مجازی، روایت‌سازی، امدادسانی، فعالیت‌های اجتماعی، مدیریت بحران، بازسازی مناطق آسیب‌دیده و حفظ روحیه عمومی نیز بخشی از قدرت ملی محسوب می‌شوند. همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس، خاکریز فقط در خط مقدم نبود، امروز نیز دفاع از کشور فقط در میدان نظامی معنا نمی‌شود؛ بلکه هر اقدامی که بتواند امید، انسجام و اعتماد اجتماعی را حفظ کند، بخشی از دفاع ملی است.

از سوی دیگر، یکی از اشتباهات تحلیلی درباره نسل جدید این است که گاهی تصور می‌شود افزایش نقد اجتماعی یا تفاوت سبک زندگی به معنای کاهش تعلق ملی است. در حالی که تجربه بسیاری از کشورها نشان داده نسل‌های جدید ممکن است شیوه متفاوتی برای ابراز هویت ملی داشته باشند، اما همچنان نسبت به امنیت، استقلال و آینده کشور حساسند. تفاوت مهم در اینجاست که نسل امروز بیش از گذشته نیاز دارد احساس کند صدایش شنیده می‌شود، نقش و واقعی است و میان تلاش فردی و آینده کشور ارتباط وجود دارد. هر چه این احساس در مشارکت تقویت شود، تعلق ملی عمیق‌تر خواهد شد. هم‌زمان چارچوب، گروه‌های جهادی و فعالیت‌های داوطلبانه مردمی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. این گروه‌ها فقط ساخت‌وساز یا امدادسانی نمی‌کنند، بلکه در عمل، مفهوم «ما بودن» را بازتولید می‌کنند. حضور جوانان در بازسازی خرابی‌ها، کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده، حاکم‌گری فضاهای اجتماعی و ایجاد حس همبستگی، در واقع نوعی بازسازی روانی و اجتماعی جامعه نیز هست. این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که هنوز بخش مهمی از نسل جوان، ایران را صرفاً یک جغرافیا نمی‌بیند، بلکه آن را خانه مشترک و بخشی از هویت خود می‌داند.

واقعیت این است که در دنیای امروز، مهم‌ترین مؤلفه قدرت کشورها فقط تجهیزات نظامی یا منابع اقتصادی نیست، بلکه میزان تعلق نسل جوان به سرنوشت ملی است. کشوری که جوانانش نسبت به آینده بی‌تفاوت شوند، حتی با امکانات گسترده نیز آسیب‌پذیر خواهد بود، اما جامعه‌ای که نسل جوان آن در لحظات بحران، مسئولانه وارد میدان شود، ظرفیت بالایی برای تاب‌آوری و بازسازی خواهد داشت. تجربه دفاع مقدس، بحران‌های منطقه‌ای و تحولات اخیر بار دیگر نشان داده است که پیوند نسل جدید ایران با مفهوم وطن، اگر چه ممکن است شکل و زبان متفاوتی پیدا کرده باشد، اما همچنان زنده و فعال است؛ پیوندی که می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، به یکی از مهم‌ترین پایه‌های انسجام ملی و قدرت اجتماعی کشور تبدیل شود. در نهایت، مفهوم وطن برای نسل جدید زمانی ماندگار و اقناع‌کننده خواهد بود که بتواند میان «هویت تاریخی» و «پند قابل تحقق» پیوند برقرار کند. نسل امروز اگر احساس کند کشورش نه فقط گذشته‌ای برای افتخار، بلکه آینده‌ای برای ساختن نیز دارد، انگاه تعلق ملی از یک شعار به یک باور درونی تبدیل خواهد شد. در دنیای جنگ‌های ترکیبی و رقابتی روایت‌ها، مهم‌ترین سرمایه هر کشور نه صرفاً منابع طبیعی یا تجهیزات نظامی، بلکه نسلی است که همچنان باور دارد و وطنش ارزش ماندن، ساختن و دفاع کردن دارد. باید مواظب این موهبت الهی و سرمایه راهبردی اجتماعی بود. قدرشناس این سرمایه استثنایی باشیم.

شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ | ۶ دی‌ماه ۱۴۴۷ | سرویس سیاسی

#### گزارش فاطمه بصیری

## پروژه آزادسازی، از ادعا تا واقعیت

# ائتلاف‌سازی‌های ترامپ از کاغذ فراتر نرفت



یکی از بزرگ‌ترین ناکامی‌های ترامپ، عدم استقبال کشورهای همسو در ناتو و منطقه آسیا در ائتلاف‌سازی برای آزادسازی تنگه هرمز است. در حالی که منابع رسانه‌ای غربی از اعزام ناو ای‌ماکن ورود کشورهای اروپایی به پروژه آزادسازی ترامپ خبر می‌دهند، چندی بعد مقامات اروپایی بسا تک‌ذیب و اجتناب از آن، راه‌حل سیاسی را بهترین گزینه برای خاتمه دادن به وضعیت تنگه هرمز معرفی می‌کنند. پس از بسته شدن تنگه هرمز، امریکا با تشکیل ائتلافی به نام «ساختار آزادی در بانوردی» از متحدان خود خواست تا برای تأمین امنیت و بازگشایی این آبراه حیاتی همکاری کنند. در واقع، امریکا در بی‌ناکامی در ائتلاف خرابی‌های خود برای پیوستن به این ائتلاف حتی در کشورهای عضو ناتو وجود نداشت و این موضوع امریکا را بسیار غافلگیر کرد و اعتبار سشراکت در این سازمان را فروریخت. به‌گونه‌ای که ترامپ با مصائب تهدید به خروج از ناتو نمود که در نهایت به تعمیق شکاف میان امریکا و اروپا و درگیری‌های لفظی شدیدالحن انجامید. کشورهای آلمان، انگلیس، ایتالیا، فرانسه و برخی دیگر از کشورهای اروپایی و حتی متحدان آسیایی وی، یعنی ژاپن و کره جنوبی، سرخ و خلیج مد حضور دار.

هم‌زمان با اعلام این خبر، مقامات امریکا در بیانیه‌ای اعلام کردند که «تلاش برای آزادسازی تنگه هرمز، امریکاییان را از اهداف خود دور می‌کند».

در مجموع، این انزوا سیاسی ایالات متحده بر سردرگمی‌های این کشور برای خروج از بن‌بست تنگه هرمز افزوده است؛ نشانه آن را می‌توان در عقب‌نشینی‌های پیاپی ترامپ از تهدیدات فرزندد تکراری و تمایل آشکار او به مذاکره با ایران مشاهده کرد. در آخرین اظهارات در این رابطه، مارکو ریبیو، وزیر امور خارجه امریکا، ضمن اعلام ناامیدی ترامپ از ناتو گفت: «گزینه مورد نظر ترامپ، دستیابی به یک توافق مسالمت‌آمیز با ایران است و اگر نتوانیم به توافق برسیم، عالی خواهد بود. رئیس‌جمهور ترجیح می‌دهد به یک توافق خوب با ایران برسد و اگر این ممکن نباشد، رئیس‌جمهور گزینه‌های دیگری دارد. اگر به یک امتیاز کند، اما در عمل، وجود گزینه‌های مکرر از سوی مقامات اروپایی نه تنها این پروژه را ناکام کرده، بلکه روایت و موضع ایران را معتبرتر و قدرتمندتر کرده است. به عنوان نمونه، زمانی که رسانه‌ها اعلام از هواپیمابر فرانسوی شارل دوگل به تنگه هرمز را سرخط خبری خود قرار دادند، وزارت نیروهای مسلح فرانسه حضور آن را تکذیب و تأیید کرد که این ناو برای انجام مأموریت بین‌المللی برای تأمین امنیت ناوبری در دریای سرخ و خلیج مد حضور دارد.

### دفاعی

انهدام بیش از ۱۷۰ پهپاد پیشرفته مهاجم در جنگ رمضان

## آسمان ایران دیگر برای هیچ پهپادی امن نیست



جنگ‌های نوین امروز بیش از هر زمان دیگری به میدان تقابل فناوری‌های پیشرفته تبدیل شده‌اند؛ جایی که پهپادها به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناسایی، جاسوسی و عملیات تهاجمی، نقشی تعیین‌کننده در معادلات نظامی ایفا می‌کنند.

در چنین شرایطی، موفقیت شبکیه یکپارچه پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران در رهگیری و انهدام گسترده پهپادهای مدرن دشمن، تنها یک دستاورد تاکتیکی نیست، بلکه نمادی روشن از ارتقای توان دفاعی، اشراق اطلاعاتی و برتری عملیاتی ایران در نبردهای ترکیبی و فناوریانه به شمار می‌رود. انهدام دهها فرودان پیشرفته‌ترین پهپادهای دشمن در جریان جنگ رمضان، نشان داد که آسمان ایران دیگر عرصه‌ای بی‌دفاع برای نفوذ و عملیات تجهیزات پیشرفته متخاصمان نخواهد بود. ■ ■ ■

برنده‌های هدایت‌پذیر از دور (پهپادها) در دهه‌های اخیر از بازیگران اصلی جنگ‌ها و عملیات نظامی و اطلاعاتی به‌شمار می‌روند و هر کشوری توانمندی بیشتری در این حوزه داشته باشد، می‌تواند بر قدرت بازدارندگی و اقتدار دفاعی خود بیفزاید و حتی پیروز میدان شود. به‌رغم توانمندی کشورمان در ساخت پهپادهای چون شاهد ۱۲۶، آرش ۱۷ و کمان ۱۹ که از آن به‌عنوان پیشرفته‌ترین پهپادهای مدرن یاد می‌شود، دشمن نیز سعی کرده است با به‌کارگیری پهپادهای مدرن به اهدافش برسد، اما دلاورمردان نیروهای مسلح ما در نیروی پدافند هوایی توانستند با سامانه‌های بومی که توسط دانشمندان خردمان ساخته شده، تعدادی از این پهپادهای پیشرفته را ساقط کنند.

### شکار پرنده جاسوس

یکی از پهپادهایی که در جنگ تحمیلی سوم توسط نیروی پدافند هوایی ساقط شد، پهپاد هرمس ۹۰ بود که ساخت شرکت صهیونیستی «الپیت سیستمز» یکی از پیشرفته‌ترین پهپادهای تاکتیکی با مداومت پروازی حدود ۳۶ تا ۴۰ ساعت است. این پهپاد با طول ۳/۸متر و فاصله بال ۱۵ متر، توان حمل بار تا ۳۵۰ کیلوگرم را دارد و می‌تواند تا ارتفاع حدود ۹ هزار و ۲۰۰متر پرواز کند.

هرمس ۹۰ مجهز به سیستم‌های ایونیک پیشرفته، حسگرهای الکترواپتیkal و مادون قرمز، رادار دایفرامک مصنوعی (SAR) و نشانگر لیزری است که امکان انجام عملیات شناسایی، نظارت و هدف‌گیری دقیق را فراهم می‌کند. همچنین این پهپاد قابلیت ارسال اطلاعات به صورت فوری به ایستگاه‌های کنترل زمینی را دارد و می‌تواند در شرایط جوی نامساعد نیز به پرواز و مأموریت ادامه دهد. هرمس ۹۰ به سیستم‌های پرواز و فرود خود‌کار مجهز است که حتی در صورت قطع ارتباط با ایستگاه کنترل زمینی، فرود ایمن را تضمین می‌کند. این پهپاد می‌تواند با سرعت کروز حدود ۱۰۳ کیلومتر بر ساعت و حداکثر سرعت ۲۲۰ کیلومتر بر ساعت پرواز کند. فناوری‌های جنگ الکترونیک، رمزگذاری پیشرفته برای جلوگیری از هک و ارتباطات ماهواره‌ای از دیگر قابلیت‌های هرمس ۹۰ هستند که

سرویس سیاسی

## پروژه آزادسازی، از ادعا تا واقعیت

# ائتلاف‌سازی‌های ترامپ از کاغذ فراتر نرفت

همچنین هراس از افتادن در تله پیامدهای امنیتی جنگ جست‌وجو کرد. نخست‌وزیر آلمان برای تریخ ادله خود برای عدم همراهی با امریکا گفته بود «این جنگ ما نیست» و «ما آن را آغاز کردیم» و مشارکت در آن را منطقی ندانست.

امریکا جنگی را علیه ایران آغاز کرد که به گفته ترامپ تا حدحداکثر سه هفته به اهدافش دست خواهد یافت، اما در عمل، نه تنها موفق به فروپاشی و تغییر حاکمیت نشد، بلکه اکنون با وجود گذشت سه‌ماه از آغاز رویارویی نتوانسته بر جبهه جانبی جنگ یعنی معضل بسته‌بودن تنگه هرمز، غلبه کند. تحلیلگران سیاسی مانند فرد شروخ، متخصصاً معتمد که ما به حد اکتفا به تحمل و تأمل کردیم. به طور ناخواسته او را در «تله تشدید» گرفتار کرده است، جایی که هر اقدام نظامی نه تنها به پیروزی نمی‌انجامد، بلکه شرایط را وخیم‌تر می‌کند.

بحران با عبقیده برخی سیاستمداران جهان، «باتلاقی» که امریکا امروز در آن گرفتار شده، چشم‌اندازی روشن از اراده کشورهای منطقه برای فاصله‌گیری از امریکا ترسیم می‌کند. به این معنا که آن کشورها برای اجتناب از این بحران و تکرار آن برای خود، تلاش می‌کنند بیش از گذشته از امریکا دوری گزینند. امری که در سایه موازنه قدرت ایران بر انزوا و ایشنگتن خواهد افزود.

ایران در آخرین اقدام بی‌ساری ارتقای بازدارندگی خود، روز چهارشنبه با صدور بیانیه‌ای شدیدالحن تهدید کرد که در صورت از سرگیری حملات امریکا و اسرائیل علیه تهران، درگیری خاورمیانه را به فراتر از منطقه و غرب آسیا گسترش خواهد داد؛ جنگی که به گفته احمد وحیدی در چارچوب یک جنگ منطقه‌ای محدود نمی‌ماند و از هر مرز قلمرویی فراتر خواهد رفت تا آنجا که ضرباتی به عمیق‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران خواهد کرد. آغاز حملات ایران در قالب جنگ منطقه‌ای نشان می‌دهد که تهدید جنگ فرامنطقه‌ای صرفاً یک تهدید لفظی نیست و برخاسته از یک موجود برای رئیس‌جمهور ترامپ نمی‌شود. «این تمایل به مشامات و انطاف در موضع‌گیری، پس از آن روی داد که ترامپ روز سه‌شنبه تهدید کرده بود که ایران دو پایه خود برای توافق مهلت دارد.

■ **تهدید فرامنطقه‌ای و وخیم‌تر شدن اوضاع برای غربی‌ها**
انفعال و ملاحظات رقارتی در کشورهای اروپایی و سایر شرکای امریکایی را باید در ارتقای بازدارندگی و افزایش سطح تهدیدات ایران و

هستند که سه وظیفه اصلی شناسایی، تحلیل و هدایت آتش را یک بلندفرد ترکیب می‌کنند. این سامانه‌ها با توان مأموریتی بالا، خودکارسازی پیشرفته و ارتباط مستمر با شبکه فرماندهی، امکان اجرای زنجیره ناپودی سریع و دقیق را فراهم می‌آورند.

■ **کپی برابر اصل نیست**

دیگر پهپادی که دشمنان امریکایی – صهیونیستی در جنگ تحمیلی سوم بر ضد ما استفاده کردند، پهپاد لوکاس است؛ پهپادی که امریکا با مهندسی معکوس از روی شاهد ۱۲۶ کپی کرده بود، اما توسط نیروی پدافند در بعضی از مناطق کشورمان مورد هدف قرار گرفت. سقف پروازی این پهپاد بالاتر از ۱۰ هزار فوت و برد عملیاتی آن ۳۵۰ مایل دریایی گزارش شده است. قابلیت پرباب بدون نیاز به بند و سامانه هدایت خودکار از ویژگی‌های این پرنده است.

■ **سقوط هرون، شلیک به ساختار عملیاتی دشمن**
دیگر پهپادی که دشمنان امریکایی – صهیونیستی در جنگ تحمیلی سوم علیه کشورمان استفاده کردند، پهپاد هرون یکی از پیشرفته‌ترین پهپادهای راهبردی جهان بود که توسط نیروی پدافند در بعضی از مناطق کشورمان مورد هدف قرار گرفت و صرفاً یک موفقیت تاکتیکی محسوب نمی‌شد، بلکه ضربه‌ای راهبردی به ساختار عملیاتی دشمن است. حذف این پهپاد به معنای از دست رفتن یکی از مهم‌ترین ابزارهای اشراق اطلاعاتی دشمن بود. مشخصات فنی هرون TP ترکیبی از مداومت پروازی بالا، برد طولی و توان حمل تجهیزات سنگین است. این پهپاد با طول ۱۴ متر و وزن بال ۲۶ متر، پرواز حدود ۵۵ تا ۵۰۷ تن هنگام برخواست دارد. نیروی محرکه آن امکان دستیابی به سقف پرواز بیش از ۱۴ کیلومتر و سرعتی حدود ۴۰۰ کیلومتر بر ساعت را فراهم می‌کند. مداومت پروازی این پرنده بیش از ۳۰ ساعت است و بهره‌گیری از لینک ماهواره‌ای، برد عملیاتی آن به هزاران کیلومتر می‌رسد. هرون TP قادر است بدون وقفه بیش از یک شبانه‌روز، یک منطقه را تحت پایش و نظارت مستمر قرار دهد.

دشمن امریکایی در جنگ ۴۰ روزه با پهپادهای مدرن خود قصد نفوذ به آسمان کشور را داشت، اما نیروهای جان‌برک پدافند در سپاه و ارتش با چشم‌بان، گس‌سنجی آنها را خنثی کردند و این اقدام بازدارنده حامل یک پیام مهم و راهبردی است: قدرت بازدارندگی امروز ایران ترکیبی از خودکفایی در صنایع دفاعی، توسعه برنامه‌های موشکی و پهپادی، دکترین دفاعی مبتنی بر ایجاد هزینه برای مهاجم، و گسترش عمق استراتژیک از طریق تقویت مأموریت‌های شناسایی، جاسوسی و نظارت طراحی شده‌اند. ماندگاری پروازی آن به ۲۵ ساعت می‌رسد. در هر دو نوع، سقف پروازی این پهپاد حدود ۱۸ هزار پا بوده و سرعتی حدود ۱۳۰ کیلومتر بر ساعت دارد. این پهپادها قادرند در شرایط اختلال الکترونیکی با حتی در محیط‌های فاقد سیگنال GPS نیز به‌طور کامل به مأموریت خود ادامه دهند. پهپادهای خانواده اوربیت، به‌ویژه مدل های ۴ و ۵، نماینده نسل جدید جنگ شبکه‌محور

### نماینده نسل جدید جنگ شبکه‌محور

دیگر پهپادی که دشمن امریکایی – صهیونیستی در جنگ تحمیلی سوم بر ضد ایران استفاده کرد، پهپادهای اوربیتر بود که توسط نیروی پدافند در بعضی از مناطق کشورمان مورد هدف قرار گرفت و ساقط شد. پهپادهای «اوربیتر ۳ و ۴» پهپادهای تاکتیکی با برد متوسط و بلند با وزن بر خاسته حدود ۵۵ کیلوگرم در نوع ۴ و ۷۵ کیلوگرم در نوع ۵ آن هستند که برای مأموریت‌های شناسایی، جاسوسی و نظارت طراحی شده‌اند. ماندگاری پروازی آن به ۲۵ ساعت می‌رسد. در هر دو نوع، سقف پروازی این پهپاد حدود ۱۸ هزار پا بوده و سرعتی حدود ۱۳۰ کیلومتر بر ساعت دارد. این پهپادها قادرند در شرایط اختلال الکترونیکی با حتی در محیط‌های فاقد سیگنال GPS نیز به‌طور کامل به مأموریت خود ادامه دهند. پهپادهای خانواده اوربیت، به‌ویژه مدل های ۴ و ۵، نماینده نسل جدید جنگ شبکه‌محور

## گریه‌خیز



منوچهر متکی، وزیر پیشین خارجه پیشنهاد کرد

### با اولین شلیک امریکا جنگ زمینی را آغاز کنیم

وزیر امور خارجه پیشین کشورمان پیشنهاد کرد که اگر امریکایی‌ها جنگ سوم را آغاز کردند، با اولین شلیک آن‌ها، ما جنگ زمینی را آغاز کنیم؛ یعنی رزمندگان ما به گرفتن پایگاه‌های امریکادر منطقه، با گرفتن اسرا، مصادره دارایی‌ها و امکانات نظامی‌شان اقدام کنند. این عمل، توصیه مقام معظم رهبری را در رابطه با غرامت‌هایمان نیز عملی خواهد کرد؛ زیرا اکنون ما هاست که می‌گوییم غرامت باید پرداخت شود، اما هیچ پاسخی در یافت نمی‌کنیم.

منوچهر متکی، وزیر پیشین خارجه و نماینده کنونی تهران در مجلس، در گفت‌وگو با ایرنا گفت: در دو، سه روز اخیر القا می‌کنند که تنها راه حل، دوباره جنگ است. امریکا ممکن است این جنگ را شروع کند. شخصاً معتمد که ما به حد اکتفا به تحمل و تأمل کردیم. به معتمد – به‌عنوان یک نظر شخصی، و البته به‌عنوان نماینده مردم، با فضایی که من از کف خیابان‌ها و میادین شبانه می‌گیرم – ایران باید یک مهلت چندروزه به آنها ارائه کند تا شاورهای جنگی و ناوچه‌های خود و مزاحمت‌هایشان را جمع کنند و به این محاصره پایان دهند. اگر بازبان دیپلماتیک نپذیرفتند که این محاصره را قطع کنند، آن وقت ما باید میدان را به نیروهای خودمان واگذار کنیم تا امریکایی‌ها از تنگه و اطراف آن دور کنند. لذا ممکن است طی روزهای آینده چنین تصمیمی اتخاذ شود و من پیشنهاد می‌کنم که بشود.

متکی اضافه کرد: امریکایی‌ها ممکن است به آخرین گزینه‌ای که نتیجه‌اش را تقریباً می‌دانند، ناچاراً و شاید با تحریک دوباره صهیونیست‌ها متوسل شوند و جنگ را شروع کنند. آنها هرگز نباید تصور کنند که یک «بزن و دروو» خواهند داشت؛ یعنی بیایند، بزنند، زیرساخت‌هایی را هدف قرار دهند و فرار کنند. آنها باید دوباره در جمه و تفسیر کلام رهبری را درک کنند که اگر دوباره جنگی را آغاز کنند، این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود و منطقه را به آشوب می‌کشند. وزیر پیشین امور خارجه اضافه کرد: من در اینجا پیشنهاد دیگری دارم و آن این است که اگر امریکایی‌ها جنگ سوم را علیه ما آغاز کردند، با اولین شلیک آنها ما جنگ زمینی را آغاز کنیم. یعنی رزمندگان ما اقدام کنند به گرفتن پایگاه‌های امریکا در منطقه، با گرفتن اسرا، با مصادره دارایی‌ها و امکانات نظامی‌شان. این عمل، توصیه مقام معظم رهبری را در رابطه با غرامت‌هایمان نیز عملی خواهد کرد. این نیز پیشنهادی است که بنده به‌عنوان نظر شخصی و نماینده مردم، ارائه می‌دهم که محاصره را با یک مهلت زمانی بشکنید، دوام اگر جنگ را آغاز کردند، ما با شروع جنگ زمینی، پایگاه‌های امریکا را به میزانی که می‌شود، با اولویت برای دریافت غرامت تسخیر کنیم.

۲ ترور بست عضو تشکیلات مخفی گروهک‌های تروریستی به دار مجازات آویخته شدند

### اعدام، فرجام عبور از امنیت مردم

اعدام دو عنصر وابسته به گروهک‌های تروریستی و تجزیه طلب، پس از طی کامل مراحل قانونی و تأیید حکم در دیوان عالی کشور، بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی

ایران در برابر هر گونه اقدام سزاسازمان یافته برای برهم زدن امنیت ملی، ایجاب ناامنی و تعرض به جان مردم و نیروهای حافظ امنیت، قاطعانه و بدون اغماض عمل می‌کند. پرزنده این عنصر تروریستی که بسا مشارکت در عملیات‌های مسلحانه، طراحی ترور و همکاری مستقیم با گروهک‌های تجزیه طلب هم‌راه بوده، بیانگر آن است که دستگاه‌های امنیتی و قضایی کشور در مقابله با تهدید بکننده‌گان امنیت عمومی، هیچ‌گونه تساهل و ممانعتی را نمی‌پذیرند و با تکلیف بر قانون، برخوردی بازدارنده و عبرت آموز را در دستور کار دارند. به گزارش خبرگزاری میزان، رامین زله فرزند کمال و کریم معروف پور فرزند کمال به جرم عضویت در گروه‌های تروریستی تجزیه طلب، تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت کشور، قیام مسلحانه از طریق تشکیل گروه‌های مجرمانه، تیراندازی و اقدام به ترور در راستای اهداف گروهک تروریستی، پس از رسیدگی به پرونده در مراجع قضایی و تأیید حکم در دیوان عالی کشور به دار مجازات آویخته شدند.

براساس مفاد پرونده، رامین زله و کریم معروف پور، سال‌ها با گروهک تروریستی همکاری داشته و عضو هسته مخفی وابسته به گروهک تجزیه طلب بوده‌اند. رامین زله پس از طی دوره‌های آموزشی از طرف گروهک مأموریت پیدا کرده بود تا در ناآرامی‌های کشور به عنوان لیدر شرکت کند. نامبرده در اعترافات خود بیان کرده برای ترور فرمانده پایگاه سپاه یکی از شهرستان‌های غرب کشور با افرادی از جمله کریم معروف پور همکاری داشته است. رامین زله اعتراف کرده است پس از تشکیل تیم ترور، دو خشاب را به سمت یک خودرو حامل نیروهای نظامی شلیک و از این عملیات فیلتربرداری کرده‌اند. تروریست‌ها برای تروک فرد دیگر، تیم ترور تشکیل داده و عملیات ترور را اجرا کرده‌اند. رامین زله در اعترافات خود گفته است که یک روز در داخل یک مغازه نشسته بودیم و حرف می‌زدیم که تلفن کریم معروف پور زنگ زد. بیرون رفت و برگشت و گفت امروز ملاحیدر را می‌زنیم و من گفتم باشه. برای این عملیات سه عدد کلاش، دو عدد کلت کمری آماده کردند و به بالای کوه مشرف به پایگاه رفتند. چند ماشین آمد که به سمت آنها شلیک کردند. همچنین این تیم تروریستی یک عملیات مسلحانه علیه یک پایگاه نظامی انجام داده و از آن فیلمبرداری کرده بودند. کریم معروف پور در اعترافات خود اقرار کرده است که از اقدامات مسلحانه گروهک آگاهی داشته و یکی از مسئولیت‌های وی نگهداری سلاح برای انجام عملیات‌های تروریستی بوده است: «سلاح‌ها در موارد لزوم تحویل می‌دادم و دوباره بعد از انجام عملیات تحویل می‌گرفتم. چهار قبضه سلاح در اختیار بود، دو قبضه اسلحه کلاش که به فواصل برای من ارسال شد و دو قبضه کلت هم برامان به داخل ایران انتقال داده شد».

پس از دستگیری متهمان و صدور کیفرخواست، دادگاه این افراد با حضور و کلا و طی مراحل قانونی بر گزار شد و در نهایت با توجه به ادله موجود و اعترافات مفصل متهمان و اقدامات مسلحانه آنها علیه کشور، انجام مأموریت‌های گروهک تروریستی با علم و آگاهی از ماهیت گروهک، رامین زله و کریم معروف پور به جرم عضویت در گروهک تروریستی با تشکیل هسته مخفی مسلحانه و اقدامات مسلحانه به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شدند. فرجام‌خواهی متهمان در دیوان عالی کشور نیز از سوی قضات رد شد و رأی صادره ابرام و مورد تأیید قرار گرفت و در نتیجه رامین زله و کریم معروف پور از عناصر تروریستی وابسته به گروهک‌های تجزیه‌طلب، پس از طی تشریفات قانونی صبح پنج‌شنبه به دار مجازات آویخته شدند.